

روان‌شناسی رفتار و گفتار این روزهای ما ایرانی‌ها

گنده‌های گرانی



محمد غیوری

«گنده» چیست؟ واژه‌ای است اصالتاً عربی-اصل آن قعه بوده است- به معنای دورهم نشستن و دوره گرفتن. کاربرد این واژه در بین طلبه‌های محصل که بحث و گفت‌وگو بخشی از امور تحصیلی و روزمره‌ی آن‌ها است بیشتر رایج است. گپ و گفت‌وگو بین افراد ساده‌ترین معنی گنده است. همان گفت‌وگوهایی که در اولین لحظه‌ی دیدار بین دو شخص، بعد از احوالپرسی و چاق سلامتی و گفتن «چه خبر» و «خب دیگه چه خبر» ادامه پیدا می‌کند.

جنس و محور این گفت‌وگوها حسب شرایط مختلف متفاوت است و برگرفته از اتفاق‌های روز است. اما جنس گنده این روزهای مردم ایران بیشتر بر محور یک موضوع است. «گرانی کالا». تن ماهی شده فلان تومن. رب گوجه شده بهمان تومن. آهن شده کیلویی فلان. دو هفته پیش فلان چیز را خریدم این قیمت، امروز رفته بخرم شده بود

بهمان قیمت و غیره؛ این روزها اگر دو نفر با یکدیگر ملاقات کنند جنس گفت‌وگوها عیناً بی‌کم‌وکاست از جنس مثال‌های ذکرشده است. هدف این تحریر بررسی گذرای چرایی موضوعیت این قبیل گفتارها و گفت‌وگوها از منظر علم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. ضمن بیان این نکته که مواضع و تحلیل جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در برخورد با این پدیده‌ی دارای مرزهای مشترکی است. این گفت‌وگوها به‌صورت مونولوگ و یا تک‌گویی نیست و دو طرف سعی در بیان تجربه‌ها و مشاهدات خود از وضعیت نابسامان اقتصادی و گرانی‌های افسارگسیخته دارند و می‌خواهند در بیان این مشکل اساسی از یکدیگر سبقت بگیرند. غافل از اینکه شخص روبروی ما خود در این جامعه زندگی می‌کند و از سیاره و سرزمین دیگری به طور ناگهانی در مقابل ما ظهور پیدا نکرده که ما سعی در تفهیم شرایط به او را داریم. هر دو علم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بخشی از دلیل این رویداد را در علاقه افراد به خبررسانی و گفتن

را مدنظر قرار دهیم در می‌یابیم که آمار ارائه شده توسط وزیر وقت در دو سال پیش قطعاً دستخوش تغییر شده است.

هجوم شش میلیون کاربر به سایت یک شرکت خودروساز، احتکار کالاهای مختلف و افزایش خرید بیش از نیاز آن توسط مردم، صف‌های عریض و طویل در جلوی صرافی‌ها و طلافروشی‌ها و مثال‌هایی از این دست نشان از سیر صعودی و روند بحرانی این آمار در چند ماه اخیر نسبت به سال‌های قبل و شیوع «همذات‌پنداری» دارد. همذات‌پنداری یک واکنش روانی است که فرد در آن تمایل زیادی به صحبت و همدردی با اشخاص و درد دل با آن‌ها و بیان مشکلات خود را دارد. حال که صحبت از گنده و درد دل بین افراد و همذات‌پنداری شد بیان روایتی از روای شیرین‌سخن تاریخ، دکتر باستانی پاریزی نه‌تنها خالی از لطف نیست بلکه با این نوشتار هم تناسب دارد و شاید تلخی نوشتار را در پایان شیرین کند. استاد باستانی در قطعه شعر زیر کلمه «هم‌ریش» را که یک واژه خاص از کرمانی‌هاست ریشه‌یابی می‌کند که از دل گفت‌وگوی دو باجناب و همدردی با یکدیگر بیرون می‌آید.

ندانی از چه عرف عامیانه

دو هم داماد را خوانده است «هم‌ریش»؟
از آن باشد که این دو همدگر را
چو می‌بینند در بازار تجریش
بجنابند باهم ریش و گویند
بدین جنابان اسرار دل خویش
کز آن تحفه که بر ریش من افتاد
به ته ریش تو هم بستند درویش

تازه‌ها بیان می‌دارند اما این دلیل کمترین علت و بهانه این گفت‌وگوهاست. حتی به عقیده نگارنده با نگاه به پافشاری بیش‌ازحد و پایان‌ناپذیر مردم بر گفت‌وگو حول این موضوع، می‌توان خط حذف و بطلائی کشید بر ارتباط موضوعی این گنده‌ها با ویژگی جذابیت و علاقه انسان‌ها به خبررسانی. در گفت‌وگو با یک جامعه‌شناس وی گرانی‌های بی‌حد و حصر را به‌مثابه یک بلای طبیعی چون زلزله قلمداد کرد که آثار آن کل جامعه و مردمان آن را تحت پوشش قرار می‌دهد. در بروز چنین بحران‌هایی اپیدمی و فراگیر بودن آن و درگیری کل افراد جامعه با آن آستانه تحمل آن مشکل را بالا می‌برد و به‌نوعی تسلی خاطر افراد است. دست‌یابی به احساس تنها نبودن و پیدا کردن همراه شاید هدفی است که افراد از دنبال کردن و استمرار این گنده‌ها دنبال می‌کنند.

تصور کنید کودکی را که از یک واقعه و رویداد ترسیده و یا یک کابوس دیده است. کودک تلاش و اصرار زیادی جهت شرح و بازگو کردن آن رویداد با جزئیات کامل برای اطرافیان و نزدیکان خود دارد. در چنین مواردی آن کودک که دچار ناامنی روانی شده با بروز چنین رفتاری سعی در تخلیه روانی خود دارد. مثال بالا نقد رفتار این روزهای ایرانیان از منظر علم روانشناسی است. دقیقاً دو سال پیش که صحبتی از گرانی روزافزون و تورم افسارگسیخته در میان نبود وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مراسمی به آماری قابل توجه و البته وحشتناک اشاره داشت و آن اینکه یک‌پنجم ایرانی‌ها از اختلالات و مشکلات روانی رنج می‌برند. اگر نمونه رفتارهای عجیب و دور از منطق و بی‌سابقه چند ماه گذشته ایرانی‌ها در مواجهه با مسائل اقتصادی

این گفت‌وگوها به‌صورت مونولوگ و یا تک‌گویی نیست و دو طرف سعی در بیان تجربه‌ها و مشاهدات خود از وضعیت نابسامان اقتصادی و گرانی‌های افسارگسیخته دارند و می‌خواهند در بیان این مشکل اساسی از یکدیگر سبقت بگیرند. غافل از اینکه شخص روبروی ما خود در این جامعه زندگی می‌کند و از سیاره و سرزمین دیگری به طور ناگهانی در مقابل ما ظهور پیدا نکرده که سعی در تفهیم شرایط به او را داشته باشیم!



روح ا... خالقی صاحب نظر در هنر موسیقی سنتی نیز در کتاب «شناسایی موسیقی - خود درباره تأثیر متقابل تعزیه و موسیقی نوشته است: «بسیاری از خوانندگان موسیقی ملی ایران، تجربه نخست خود را از خوانندگی در تعزیه آغاز کردند و از این طریق به مقام هنرمندی رسیدند که از آن جمله می‌توان به استاد علی حسین قزوینی، میرزا حسن قزوینی، ملا عبدالکریم جناب، حاجی قربان‌خان‌شاهی، اقبال آذر و... اشاره کرد.

نوحه‌خوانی که بیشترین کاربرد را در ماه محرم دارد، مورد دیگری است که به موسیقی آمیخته است. «هوشنگ جاوید پژوهشگر موسیقی نیز می‌گوید: «در نوحه‌سرایی و سایر مراسم مذهبی موسیقی خاص خود را دارد که تا ۵۰ سال قبل به‌شدت در کشور ما رعایت می‌شد به‌طوری که آهنگسازان برای ساخت نغمات خود از این نوع موسیقی الهام می‌گرفتند ولی پس از آن به‌دلیل عدم کنترل و توجه لازم رفته رفته کم رنگ شده تا جایی که در زمان حاضر آسیب‌نگران‌کننده‌ای به آن وارد آمده است. باید اشعار و ملودی‌ها توسط کارشناسان آسیب‌شناسی شود و جامعه مداحان نیز بپذیرند که ما دارای موسیقی مذهبی بسیار غنی هستیم. نعت‌خوانی و منقبت‌خوانی به‌ترتیب ویژه ستایش پیامبر اکرم (ص)، ائمه و بزرگان دین است که به فراموشی سپرده شده است و لازم است توسط کارشناسان و دلسوزان فرهنگ و آئین مذهبی احیا شود. ریزه‌خوانی نیز از مراسم مذهبی - موسیقایی گذشته بوده که جوانان و پیشکسوتان اهل فن از یک ماه پیش از ماه محرم و صفر در مجلسی حضور یافته و به خواندن اشعار مربوطه می‌پرداختند که توسط چند تن از پیشکسوتان به‌صورت شورایی کار آنان ارزیابی و سپس توسط شخصی به نام نقیب‌النقیبا مشخص می‌شد که چه کسی در چه محله‌ای کدام یک از اشعار را بخواند. در مجموع به اعتقاد صاحب‌نظران، سوگواری آداب و رسوم ویژه‌ای دارد که باید رعایت شود حال آن که این ظرافت‌کاری‌ها به‌ویژه در مداحی‌ها و نوحه‌سرایی‌ها کمتر دیده می‌شود.



گروه موسیقی هیأت محمدی سپهران / عکس: مجید شبستری

ابراهیم بوزری پژوهشگر موسیقی از تعزیه به‌عنوان یکی از آئین‌های دیرپای آمیخته با موسیقی مربوط به محرم یاد می‌کند و چنین می‌گوید: «تعزیه یکی از هنرهای دیرینه ایران است که دارای فواید سیاسی بسیار به لحاظ استقلال و ادب و اخلاق دینی بود ولی به‌دلایل گوناگون در حال فراموشی است. یکی از کارکردهای تعزیه ارائه چهره واقعی اسلام و نشان دادن ظلم وستم و جور بنی‌امیه و بنی‌عباس و فساد اخلاقی آنان با ابزار موسیقی و نمایش بوده است. در گذشته به‌دلیل بی‌سواد بودن اغلب مردم و بهره‌نگرفتن از خطابه، نمایش در آنان تأثیر زیادی داشت، لذا مبتکران هنر تعزیه در کنار موسیقی از لباس‌های رنگ سرخ و زرد زنده و صداهای خشن به‌عنوان نمادی از ظلم دستگاه بنی‌امیه استفاده می‌کردند. اشعار تعزیه و نوحه‌های موزون همگی به بهترین وجه ممکن در آوازهای مختلف ایرانی خوانده می‌شد تا اثرگذاری بیشتری بر مردم داشته باشد».

جایگاه موسیقی ایرانی در محرم

موسیقی محرم بخش جدایی‌ناپذیر موسیقی سنتی ایران است که اجزای صحیح و مناسب آن بر این هنر تأثیرگذار بوده و موجب اعتلای موسیقی‌های آئینی می‌شود. تعزیه، منقبت‌خوانی، نعت‌خوانی، روضه‌خوانی، پرده‌خوانی، شمایل‌خوانی و غیره هر کدام با مراسم خاص و موسیقی مناسب، نشان‌گر ارادت ایرانیان به اهل بیت است. به اعتقاد موسیقی‌شناسان، تمام آوازهای هفت‌گانه ایرانی به‌ویژه چهارگاه، ماهور، نوا و راست پنجگاه در مراسم سوگواری اباعبدالله (علیه‌السلام) قابل اجراست. هر بخش از موسیقی محرم شجاعت و از خود گذشتگی شهدای کربلا و وقایع ۱۰ روز اول این ماه را به تصویر می‌کشد.